

سُورَةُ الْمُلْكِ ٦٧

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ



پاک باشد، بس منزّه ذوالجلال عالی و اعلاست در حدّ کمال
هست به دستِ قدرتِ او اقتدار سلطنت بر مُلکِ هستی و مدار
او بود آگاه و دانا و خبیر بر همه اشیا توانا و قدیر
الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ



آن که خلق بنموده مرگ و زندگی آزماید هم شما را جملگی
که کدامین به‌ترید در امتحان از عملکردها و جمله فعلتان
حق تعالی غالب است در هر امور او ببخشاید همی، باشد غفور
الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ



آن خدا که آفرید هفت آسمان لایه لایه از طبق در لامکان
زین چنین خلق از خدای مهربان تو نبینی هیچ خلاقی اندر آن

چشمِ خود گردان به هر سو و محلِ بینی آیا هیچ خلاقی و خلل؟
ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ



بارِ دیگر با بصیرت کن نظر تا مگر یابی ز دیدِ خود اثر
چشمِ تو عاجز بماند بِالمال چون نبیند هیچ نقصی در کمال
وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ



زینتی دادیم همی بر آسمان از چراغهای درخشان در جهان
همچنین راندیم ما اهریمنان آن شیاطین در سطوحِ آسمان
بهرشان کردیم مهیا اجمعین از عذابِ آتشین و سهمگین
وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ



وان کسان که از خدای خویشتن سرکشی دارند از شک و زِ ظن
هست نصیبشان عذاب‌های آلیم جایگاهی پست، در قعرِ جحیم
إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ



چون که آیند در جهنم کافران یک صدا آید شدید بر گوششان
آتشی سوزان که می‌آرد خروش غرشی که دیگ را آرد به جوش
تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ ۖ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ



چون به آتش گشته کفار غوطه‌ور گوئیا از خشم بشکافد سقر
می‌روند فوج فوج، در قعرِ جحیم خازنانِ پرسند ز اقوامِ لئیم
هیچ نیامد در جهان بهر شما؟ بر هدایت یک رسول و رهنما؟

قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ



در جواب گویند آن جمعِ خسان آری آمد، آن رسول از بهرمان
لیک زِ جهل کردیم ما تکذیبشان گر چه داشتند بیّنات و هم نشان
ما بگفتیم، سوی ما ایزد نداد یک رسول و رهنما بهرِ رشاد
هم بگفتیم از سرِ حقد و زِ کین که شدیداً گم‌رهید ای مُرسِلین!

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ



باز چنین گویند در آن حالِ افول می‌شنیدیم گر سخن‌های رسول
یا که تابع می‌شدیم از عقلِ خویش نه که تابع بوده از نفسِ پریش
ما نبودیم اندر این روزِ کبیر ساکنِ دوزخ، زِ اصحابِ سَعیر

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ



پس کنند اقرار در نزدِ خدا بر همه جرم‌ها و بر کلّ خطا
سویشان نفرینی باشد با خطاب که همگی مُستحقّقند بر عذاب
لطفِ یزدان بهرِ قومِ بدنهاد وز چنین اصحابِ آتش، دور باد!

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ



آن کسی که در نهان و در ضمیر ترس دارد از خداوندِ خبیر
هست بهرش مغفرت از کردگار همچنین اجری بزرگ، پایانِ کار

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

﴿۱۳﴾

گر که آشکارا سخن آرید بیان یا نگهدارید، چون رمزی نهان
بهر ایزد هست مساوی گفته‌ها چون که آگاهست به سرّ سینه‌ها

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

﴿۱۴﴾

آن که خالق هست بر کلّ جهان نیست آگه از نهان و از عیان؟
اوست ز ظاهر، هم ز باطن، مُطَّلَعِ علمش از چیزی نباشد منقطع

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ ۚ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ

﴿۱۵﴾

او خداییست که زمین داد بهرتان او خداییست که زمین داد بهرتان
تا بر اطرافش زنید گام بالمال تا بر اطرافش زنید گام بالمال
هم خورید از رزقِ وافر اجمعین هم خورید از رزقِ وافر اجمعین
عاقبت رجعت بود بی‌گفتگو عاقبت رجعت بود بی‌گفتگو
همچنین هموار نمود مُلک و مکان
بر زمین پست یا که بر جبال
که بیابید روزی خود در زمین
کلّ مخلوقاتِ عالمِ سوی او

أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ

﴿۱۶﴾

ایمنی احساس نمایید جاهلان؟! زانچه باشد از خدا در آسمان؟
که فرو آرند شما را بر زمین تا شود لرزان و غلطان سهمگین

أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ۖ فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ

ایمن آیا خود ببینید ای خسان؟! زانچه باشد از خدا در آسمان؟
 که وزاند بر شما بادی شدید زیرِ سنگریزه بگردید ناپدید
 زود باشد تا بدانید زان عذاب وعده‌هایم آمده بهر حساب

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

برخی اقوامِ پلید نیز قبل از این جمله تکذیب می‌نمودند مُرسَلین
 چون بدادیم بهر ایشان ما عِقاب منکران، سختی بدیدند از عذاب
 أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَاتٍ وَيَقْبِضْنَ ۚ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ ۚ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
 بَصِيرٌ

مرغکان را در هوا هیچ ننگرند؟ فوق ایشان پرکشند و می‌روند
 در پریدن بالِ خود گسترده‌اند اوج می‌گیرند و بال بر هم زنند
 نیست غیر از ذاتِ رحمانِ خدا که نگهدارد پرنده در هوا
 هر کدامین طی کنند راه و مسیر بر همه چیز کردگار باشد بصیر

أَمِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدُكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ ۚ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ

کیست آن که بهرتان باشد سپاه؟ بر مدد آید، به جز یکتا اله؟
 نیستند این کافرانِ پرقصور جز میانِ خودفریبی و غرور

أَمِنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ ۚ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ

چه کسی رزقی رساند بهرتان؟ گر خدا امساک کند در رزقتان
 کافران دارند بر این مطلب یقین لیک لجوجند از سر عصیان و کین
 أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

﴿۲۲﴾

طی کند ره، گر کسی، سر واژگون گویی گردد در نهایت سرنگون
 او هدایت یافته، یا که آن کسی؟ راست قامت، سربلند پوید رهی
 پس کدام یک می رود ره، مستقیم؟ سوی مقصد می رسد بی هیچ بیم
 قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۖ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

﴿۲۳﴾

گو خدا آنست که کرد ایجادتان داد گوش و چشم و هم اندامتان
 از هزاران در هزار گاهی یکی شکر نعمت ها بگوید اندکی
 قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

﴿۲۴﴾

گو بود آن ذات ربّ العالمین که شما را آفرید روی زمین
 آخر الامر هم به سوی کردگار رجعتی آرید در فرجام کار
 وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

﴿۲۵﴾

مشرکان گویند ز روی طعنه ها می رسد کی نوبت آن وعده ها؟
 بازگوید بهر ما از یوم دین گر شما هستید ز جمع صادقین
 قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

گو که علمِ آن فقط نزدِ خداست تا چه وقتی محشرِ کبری^۱ به پاست
 من فقط بهرِ هدایتِ بر شما می‌دهم هشدار و هستم رهنما
 فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ

تا به خود نزدیک بینند آن عذاب که رسد وقتِ عِقَاب و هم حساب
 صورتشان درهم و گردیده زشت جمعِ کفّارِ پلید و بدسرشت
 پس خطابی می‌رسد بر آن خسان این همان روزیست که پرسیدید از
 آن

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِيَ اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ

گو اگر که خواهد آن یزدانِ پاک که من و هم پیروان گردیم هلاک
 یا ببخشاید زِ الطافِ عمیم هست رحمان بهرِ ما ربِّ رحیم
 کیست آن یاری‌رسان بر کافران؟ که رهاوند از چنین رنجِ گران؟

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

گو بودِ رحمان، خدایِ مهربان ما بدو ایمان بیاریم در جهان
 همچنین باشد توکلِ ها زِ ما بر همان ربِّ رحیم و رهنما
 زود باشد که بگردد آشکار که چه کس گمراه بشد در روزگار

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ

گو بیندیشید و بینید از یقین گر رَوَد آب‌ها فرو اندر زمین
کیست آن کس که بیارد بهرتان؟ چشمه‌سارِ آب و رودهای روان